

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز

دوره چهاردهم، شماره اول، پائیز ۱۳۷۷

(پیاپی ۲۷)

بررسی تأثیر کاهش ارزش پول بر روند تراز بازرگانی و الگوی مصرف و تولید در ایران

دکتر سید حسین سقائیان نژاد و اردشیر فنایی
دانشگاه صنعتی اصفهان

چکیده

هدف این مقاله بررسی چارچوب نظری و تجربی اثرات کاهش ارزش پول بر روند تراز بازرگانی (تفاضل صادرات و واردات) است. اثرات فوق بر تولید، مصرف و تراز تجاری با یک الگوی تجربی و با داده های اقتصاد ایران برای دوره سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۳ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می دهد که سیاست کاهش ارزش پول حداقل تا پایان سال ۱۳۷۳ از نظر تغییر در الگوی مصرف و تولید موفق نبوده است.

واژگان کلیدی: ۱- تأثیر کاهش ارزش پول ۲- الگوی مصرف و تولید در ایران ۳- تعدیل ترازهای تجاری

۱. مقدمه

یکی از مهمترین مسائل اقتصادی کشورها وجود تعادل در تراز بازرگانی است. اگر ترازهای تجاری کشوری اغلب مثبت باشد، به این معنی خواهد بود که آن ملت کمتر از آنچه تولید می کند به مصرف می رساند. در چنین حالتی یک شکاف انقباضی بین درآمد ملی در حال

تعادل و درآمد در حالت اشتغال کامل ایجاد می شود و مفهوم آن وجود ظرفیت های خالی برای تولید در اقتصاد است. اگر این شکاف کم نشود منجر به افزایش بیکاری، کاهش بیشتر تقاضای کل و کمتر شدن درآمد ملی می گردد. از طرفی اگر ترازهای تجاری کشوری اغلب منفی باشد، نشان دهنده این مطلب است که آن ملت بیش از آنچه تولید می کند به مصرف می رساند. در این حالت هزینه ملی در حال تعادل بیش از درآمد ملی حالت اشتغال کامل است و شکاف تورمی ایجاد می شود. این شکاف نیز اگر کاهش داده نشود باعث رشد سرسام آور قیمت های داخلی می شود و از طرفی بدهی های خارجی را افزایش می دهد. در نتیجه همیشه سعی بر این است که ترازهای تجاری حالت متعادلی داشته باشد. یعنی بر حسب مقتضیات اقتصاد مثبت یا منفی و یا حول و حوش صفر تنظیم شود. در الگو اقتصادی با تجارت خارجی، خالص صادرات نقش اصلی را در تنظیم ترازهای تجاری ایفا می کند.

کشور ما در گذشته به دلیل اتکاء به صادرات نفت و در آمد حاصل از آن، در صادرات کالاهای غیر نفتی کمتر موفق بوده است. لیکن چشم انداز تمام شدن منابع نفتی در سال های نه چندان دور آینده باعث سیاست گذاری هایی در اقتصاد گردید تا به تبع آن صادرات غیر نفتی کشور افزایش یابد و در بلند مدت جایگزین صادرات کالاهای نفتی شود. به نظر می رسد یکی از مهم ترین عوامل تشویق صادرات غیر نفتی کاهش ارزش پول داخلی باشد. از سال ۱۳۷۲ ارزش پول داخلی به شدت کاهش داده شد. و انتظار این بود که به مرور زمان صادرات غیر نفتی رونق یابد. در این تحقیق قصد داریم با به کارگیری یک الگوی تجربی تحقیق انتظار یاد شده را محک بزنیم. به عبارت دیگر تأثیر کاهش ارزش پول بر سهم ارزش کالاهای وارداتی و تولیدی در مصرف داخلی و صادرات کشور را بررسی می کنیم. بر طبق دلایل نظری، کاهش ارزش پول بایستی باعث کاهش واردات کالاها با کمتر مصرف شدن کالاهای وارداتی موجود گردد، حال آن که متقابلاً تولید کالاها با مصرف کالاهای داخلی موجود افزایش یابد، به نحوی که کسری تراز بازرگانی به تدریج رو به بهبود گذارد. در اینجا تغییر سهم ارزش کالاهای وارداتی و تولیدی در مصرف داخلی و صادرات را با اندازه گیری زوایای بین بردارهای واردات، صادرات، تولید و مصرف، در یک فضای اقلیدسی نشان می دهیم. ابتدا مبنای نظری و مشاهدات عینی موضوع و کاهش ارزش پول مرور می شود. سپس روش تحقیق مربوط ارائه می گردد و پس از آن نتایج و تجزیه و تحلیل آنها ارائه می شود و در پایان نتیجه گیری به عمل می آید.

۲. مبانی نظری موضوع

۲.۱. تعدیل ترازهای تجاری از طریق نرخ ارز (تضعیف ارزش پول ملی)^۱

تغییر نرخ ارز تثبیت شده در شرایط عدم تعادل منفی (کسری دار) به صورت کاهش ارزش پول ملی و تأثیر آن بر روی ترازهای تجاری کشور، در درجه اول به کشش عرضه صادرات و تقاضای واردات نسبت به تغییرات نرخ ارز بستگی دارد. هر گاه کشش عرضه و تقاضای مذکور در شرایط مطلوب باشد، کاهش ارزش پول ملی می تواند در برقراری تعادل مؤثر واقع شود. ولی وقتی کشش عرضه و تقاضا کم باشد و احیاناً برای رفع مختصر کسری ترازهای تجاری ممکن است کاهش شدید ارزش پول لازم باشد، اقدام به کاهش ارزش پول در چنین شرایطی موجب بروز تورم شدید و در نتیجه، باعث افزایش هزینه زندگی و سطح عمومی قیمت‌ها می گردد، بورس بازی رواج می یابد، سرمایه های کشور به علت عدم اعتماد به پول ملی به خارج منتقل می شود و در نتیجه سطح زندگی و تولید در کشور با افت شدید مواجه می گردد و بنیان اقتصاد مملکت متزلزل می شود.

چنانچه کشش منحنی های عرضه برای صادرات و تقاضای واردات بزرگ فرض شود، بازار مبادله خارجی زمانی با ثبات است که مجموع قدر مطلق کشش تقاضای کشور برای واردات از خارج و کشش تقاضای خارجیها برای صادرات کشور بزرگتر از عدد یک باشد. این قاعده به وضعیت مارشال - لرنر^۲ معروف است.^۳

تأثیر مثبت کاهش ارزش پول بر تراز بازرگانی بستگی به برقراری شرط مارشال - لرنر دارد. در صورتی که مجموع قدر مطلق کشش تقاضا برای واردات و کشش عرضه برای صادرات بزرگتر از یک باشد، بازار با ثبات است و کاهش ارزش پول در دراز مدت منجر به بهبود تراز تجاری می گردد. ولی در صورتی که تقاضاها بدون کشش باشد، ممکن است که اثرات^۴ منحنی J^{۴۰} اتفاق افتد: ابتدا با کاهش ارزش پول ملی قیمت‌های کالاهای صادراتی کاهش و کالاهای وارداتی افزایش می یابد، ولی در کوتاه مدت ممکن است مقادیر واردات و صادرات چندان قابل تغییر نباشد. منحنی J نشانگر روند تغییرات ترازهای تجاری به دنبال کاهش ارزش پول ملی است. اگر روند ترازهای تجاری منفی می شود (کسری ترازهای تجاری بیشتر می شود). ولی با گذشت زمان، کششها بیشتر شده و ترازهای تجاری رو به بهبود می گذارد، در صورتی که روند زمانی ترازهای تجاری مسیری شبیه به شکل حرف انگلیسی J^{*} را نشان می دهد.

بنابراین، هر چند سیاست کاهش ارزش پول ملی وسیله ای برای افزایش ترازهای تجاری یک کشور است، ولی اثر منحنی J بیانگر این حقیقت است که با کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت کالاهای خارجی برای کشور و کاهش قیمت کالاهای داخلی برای خریداران خارجی، یک دوره کوتاه مدت وجود دارد که ترازهای تجاری برعکس کاهش می یابد.^۵

۲.۲. مشاهداتی از اثرات کاهش ارزش پول در کشورهای مختلف

مشاهدات موجود از اثرات کاهش ارزش پول ملی در کشورهای مختلف نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد به طوری که یک نتیجه‌گیری قوی کلی امکان‌پذیر نیست. در ادامه به اختصار چند مطالعه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

لفر^۶ در مطالعه‌ای روند ترازهای تجاری پانزده کشور را که در سال ۱۹۶۰ میلادی ارزش پول خود را کاهش دادند مورد بررسی قرار داده است. مشاهدات عینی این مطالعه نشان می‌دهد که روند ترازهای تجاری فقط چهار کشور شبیه به شکل حرف انگلیسی 'J' است.^۷ مایلز^۸ شانزده مورد کاهش ارزش پول ملی را برای چهارده کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در این مطالعه نشانی از بهبود تراز تجاری قابل توجه بعد از کاهش ارزش پول مشاهده نمی‌شود ولی برای بعضی از کشورها ترازهای تجاری تا حدودی بهبود یافته است.^۹ گیلفاسون و ریساگر^{۱۰} با مطالعه پانزده کشور مقروض جهان و با بررسی اثرات کاهش ارزش پول بر مبادله تجاری نشان می‌دهند که برای همه این کشورها به جز یکی، کاهش ارزش پول سبب بهبود حسابهای جاری^{۱۱} می‌شود.^{۱۲}

بهمنی - اسکویی در بررسی این که آیا با کاهش ارزش پول ملی (برای چند کشور در حال توسعه)، منحنی 'J' برقرار است ولی نتایج اثرات به دست آمده برای نرخ ارز شناور در مقایسه با ارز شناور در مقایسه با نرخ ارز ثابت تا حدودی تفاوت دارد.^{۱۳} مافت^{۱۴} تراز پرداختهای کشور آمریکا را برای یک دوره بیست ساله مورد مطالعه قرار داده است و نشان می‌دهد که معمولاً بعد از کاهش ارزش دلار، ابتدا تراز پرداختها کاهش می‌یابد. ولی در دراز مدت تفاضل صادرات قابل توجه بیشتری مشاهده نمی‌شود. روند تراز پرداختهای کشور آمریکا ابتدا کاهش و سپس یک افزایش موقت را نشان می‌دهد ولی در نهایت به سطح اولیه خود باز می‌گردد.^{۱۵}

با توجه به مطالعات فوق این طور می‌توان نتیجه گرفت که مشاهدات دنیای واقعی از اثرات کاهش ارزش پول بر ترازهای تجاری کشورهای مختلف یک روند یکسانی را نشان نمی‌دهد. بعضی مطالعات بیانگر بهبود ترازهای تجاری در کوتاه مدت است ولی نتایج بعضی مطالعات دیگر چنین روندی را نشان نمی‌دهد و در ادامه اثرات کاهش ارزش پول ملی بر الگوی مصرف و تولید و تفاضل صادرات و واردات با یک الگو تجربی و با داده‌های اقتصاد ایران بررسی می‌گردد.

۳. روش تحقیق

از ابتدای سال ۱۳۷۲ کاهش فوق العاده ای بر ارزش پول ملی اعمال گردید، به نحوی که نرخ رسمی برابری دلار از ۶۷/۵ ریال در فصل چهارم سال ۱۳۷۱ به ۱۶۳۳ ریال در فصل اول سال ۱۳۷۲ و در نهایت به ۱۷۵۰ ریال در فصل چهارم سال ۱۳۷۲ رسید. این امر به این امید صورت گرفت که به تدریج صادرات کشور رونق و واردات کاهش یابد تا به تبع آن کسری موازنه ارزی بهبود یابد و الگوی مصرف نیز متوجه کالاهای تولید داخل گردد.

در اینجا ابزار اصلی تجزیه و تحلیل، زوایای بین بردارهای صادرات، واردات، تولید و مصرف در فضای اقلیدسی است. به این ترتیب که با تعریف فضای کالاها به عنوان یک فضای حقیقی غیر صفر n بعدی، بردارهای صادرات و واردات، مصرف و تولید، (P, E, M, X) بردارهایی هستند که از مرکز محور مختصات به نقاط تولید، مصرف، واردات و صادرات در این فضا رسم می شوند:

$$P = \begin{bmatrix} P_1 \\ P_2 \\ \vdots \\ P_n \end{bmatrix}, \quad C = \begin{bmatrix} C_1 \\ C_2 \\ \vdots \\ C_n \end{bmatrix}, \quad M = \begin{bmatrix} m_1 \\ m_2 \\ \vdots \\ m_n \end{bmatrix}, \quad X = \begin{bmatrix} x_1 \\ x_2 \\ \vdots \\ x_n \end{bmatrix}$$

عناصر هر یک از این بردارها را کالاهای متفاوت تشکیل می دهد. با به کارگیری حساب برداری، زوایای بین هر دو بردار قابل محاسبه خواهد بود. تغییر این زوایا در سالهای متفاوت بیانگو تغییر الگوی بردارهای مربوطه می باشد و می توان با بررسی تغییرات این زوایا، تغییرات مبادله درون - صنعتی^{۱۶}، تمایل به تجارت، تمایل به واردات و درجه و شدت در رقابت جهانی^{۱۷} را مورد بررسی قرار داد.

این روش را که ارزان و ساری^{۱۸} و ساری^{۱۹} مورد استفاده قرار داده اند تأییدی است به استدلالات نظری در مورد منحنی J به این ترتیب که کاهش نرخ واقعی ارز باعث کاهش واردات یا کاهش مصرف کالاهای وارداتی می باشد و در مقابل افزایش کالاهای داخلی موجود یا افزایش تولید کالاهای داخلی را به همراه می آورد.

در این روش، در صورتی که هیچ گونه مبادله درون صنعتی وجود نداشته باشد یا به عبارت دیگر عناصر بردار صادرات X به صورت $X_i = \max(P_i - C_i, 0)$ عناصر بردار واردات M به صورت $M_i = \max(C_i - P_i, 0)$ باشد، آن گاه زاویه بین X و M ، یعنی α_{xm} برابر با ۹۰ درجه خواهد بود، یا اصطلاحاً دو بردار فوق متعامد^{۲۰} هستند. بر عکس اگر دو بردار فوق مساوی

باشند، α_{xm} صفر درجه خواهد بود. هر چقدر که α_{xm} کوچکتر باشد، مبادله درون - صنعتی بیشتر خواهد بود. α_{xm} معرف و بیانگر مبادله درون - صنعتی است.

به همین صورت، زاویه بین X و P (α_{xp}) معرف درجه جهت گیری تولید داخلی برای صادرات است. وقتی α_{xp} کوچکتر می شود، یا کالاهای بیشتری صادراتی (قابل عرضه در بازارهای جهانی) می شود، یا کالاهای صادراتی موجود بیشتر تولید می شود و یا هر دو. همچنین با فرض ثابت نگاه داشتن C و وجود تراز تجاری، با افزایش α_{xp} ، تجارت افزایش می یابد. در نمودار شماره ۱، ارائه هندسی الگو دو کالایی برای کشوری یا اقتصاد باز نشان داده شده است.

زاویه بین X و M (α_{mc}) نشان دهنده تمایل به مصرف کالاهای وارداتی است. هر چه این زاویه بزرگتر باشد ارزش کالاهای وارداتی سهم کمتری را در مصرف دارد و به عکس زاویه کوچک بیانگر بزرگتر بودن سهم واردات از نظر ارزش در مصرف است. بنابراین کوچکتر شدن این زاویه به تنهایی معرف بدتر شدن تراز بازرگانی خواهد بود.

به همین ترتیب، زاویه بین P و C (α_{cp}) بیانگر تولیدات داخلی در مصرف ملی است و می توان آن را تمایل به مصرف کالاهای داخلی نیز تعبیر کرد. هر چقدر که بزرگتر باشد، مقدار و یا تنوع کمتری از کالاهایی که در داخل مصرف می شود، در داخل تولید می شود.^{۲۱}

در این مطالعه به دلیل وجود آمارهای گوناگون ولی مقطعی و بدون انسجام، ناگزیر از داده های سالانه استفاده شده است، گو این که آمارهای سالانه واردات و صادرات از لحاظ تقسیم بندی یکسان نبودند. تنها جدول آماری قابل اتکاء از لحاظ قالب بندی و گروه بندی کالاها جدول "ارزش واردات و صادرات بر حسب قیمت‌های تعرفه گمرکی" تهیه شده در گمرک ایران بود که کالاهای وارداتی و صادراتی را در ۲۱ فصل مجزا گروه بندی کرده است. لیکن هر فصل خود کالاهای گوناگونی را شامل می شود. به هر حال در این ۲۱ فصل کالاهای مربوط در سه دسته کالاهای کشاورزی و دامپروری، کالاهای معدنی و مواد خام و کالاهای صنعتی گنجانیده شدند.^{۲۲} بنابراین تا اینجا بردارهای صادرات X و واردات M سه عنصر ارزش کالاهای کشاورزی و دامی، ارزش کالاهای معدنی و مواد خام و ارزش کالاهای صنعتی را تشکیل می دهند. عناصر بردار تولید از جدول "درآمد و تولید ناخالص ملی به قیمت‌های جاری" که در ترازنامه بانک مرکزی ایران به تفکیک کالاهای کشاورزی و دامی، کالاهای معدنی و مواد خام و کالاهای صنعتی موجود بود، فراهم شده است.^{۲۳} بردار مصرف با کسر کردن بردار صادرات از مجموع بردارهای تولید و واردات محاسبه شده است. یعنی:

$$C = P + M - X$$

رابطه فوق در بر گیرنده مصرف خصوصی، مصرف دولتی و سرمایه گذاری است. قیمت‌ها

همگی جاری هستند و بر حسب میلیون دلار تنظیم شده اند، هر چند که واحد پول تأثیری بر محاسبه زاویه ها نمی گذارد. برای محاسبه زاویه بین دو بردار غیر صفر Z و W از رابطه زیر استفاده شده است:

$$\alpha_{wz} = \cos^{-1} \frac{W \cdot Z}{(W \cdot W)(Z \cdot Z)}$$

اطلاعات مربوط به سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۳ مبنای این تحقیق قرار گرفته است.^{۲۴}

۴. تجزیه و تحلیل

برای چهار بردار C, X, M, P می توان زاویه $\alpha_{xc}, \alpha_{mx}, \alpha_{pc}, \alpha_{px}, \alpha_{pm}$ را مورد محاسبه قرار داد. چنانچه فضای اقلیدسی را صفحه واردات و صادرات تعریف کنیم به نحوی که واردات M محور عمودی و صادرات X محور افقی باشند، بردارهای تولید P و مصرف C در این صفحه خواهند بود که هر یک با این دو محور زوایایی را تشکیل می دهند. زوایای مهم عبارتند از:

۱- α_{MC} که نشان دهنده تمایل به مصرف کالاهای وارداتی است. و هر چه این زاویه کمتر باشد کالاهای وارداتی سهم بیشتری را در مصرف ملی به خود اختصاص می دهند.

۲- α_{Px} که نشان دهنده میزان گرایش تولید کالاهای صادراتی است. یعنی هر چه این زاویه کوچکتر باشد جهت گیری تولید بیشتر برای صادر کردن است تا مصرف داخلی.

۳- α_{PC} که نشان دهنده تمایل به تجارت است. هر چه کوچکتر باشد مقدار کالاهای تولید شده در داخل سهم بیشتری از کالاهای مصرف شده در داخل را تشکیل خواهند داد. در این جا فرض بر این است که واردات و صادرات ثابت هستند و برای این منظور منحنی امکانات تولید نیز^{۲۵} به طور فرضی^{۲۶} بر حسب واردات و صادرات ترسیم شده است.

در جدول شماره ۱، زوایای شش گانه به همراه متوسط نرخ دلار در سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۳ درج شده است^{۲۵} α_{px} در انتهای دوره مورد بررسی به بزرگترین مقدار خود یعنی ۵۹/۸ درجه رسیده است که نشان از فاصله گرفتن تولیدات از صادرات دارد. یعنی سهم تولیدات داخلی در کالاهای صادراتی کاهش پیدا کرده است و به عبارتی آنچه که تولید می شود بیشتر در داخل کشور باقی می ماند تا این که صادر شود. از طرفی α_{MC} در سال ۱۳۷۳ به حداقل خود که ۳۵ درجه در سال ۱۳۶۰ بوده خیلی نزدیک شده است و مقدار آن ۳۵/۹ درجه را است. به این معنی که مصرف کالاهای وارداتی رونق بیشتری گرفته و تمایل به مصرف کالاهای وارداتی افزایش یافته است. همچنین α_{PC} در سال ۱۳۷۳ نسبت به ده سال قبل از آن، از ۱۳۶۳ تا

۷۰ بررسی تأثیر کاهش ارزش پول بر روند تراز بازرگانی و الگوی مصرف و تولید در ایران

۱۳۷۲ بزرگتر شده است. در واقع تولید و مصرف از هم فاصله بیشتری گرفته اند، یعنی آن چه تولید می شود سهم کمتری را در آن چه به مصرف می رسد از آن خود می کند.

جدول شماره ۱

زوایای شش گانه و نرخ دلار برای سالهای ۱۳۶۰ لغایت ۱۳۷۳

α_{pm}	α_{px}	α_{pc}	α_{mx}	α_{cm}	α_{xc}	دلار/ریال	سال
۵۰/۳۷۹۸۷	۴۵/۸۳۶۹۲	۱۵/۳۳۸۶۶	۶۶/۹۰۷۰۸	۳۵/۰۴۵۹۷	۴۹/۴۶۴۴۴	۷۸/۳۳	۱۳۶۰
۵۲/۱۹۶۵۰	۲۸/۰۷۲۲۱	۱۲/۹۶۹۵۷	۶۶/۱۵۹۲۶	۳۹/۲۲۸۰۴	۳۴/۹۲۸۹۶	۸۳/۶۰	۱۳۶۱
۵۲/۶۹۷۹۸	۳۱/۸۳۱۶۳	۱۶/۹۱۸۳۵	۶۷/۵۵۴۴۶	۳۵/۷۸۱۰۱	۴۰/۳۱۱۰۷	۸۶/۳۶	۱۳۶۲
۵۰/۱۳۴۰۳	۴۲/۲۴۳۱۴	۱۲/۰۲۹۸۰	۶۴/۰۰۹۳۳	۳۸/۱۰۶۸۰	۴۴/۶۳۶۴۹	۹۰/۰۳	۱۳۶۳
۵۴/۳۳۷۸۳	۴۴/۹۸۴۱۳	۱۰/۵۰۸۶۸	۷۱/۸۸۷۹۶	۴۳/۸۲۹۲۰	۴۷/۷۳۹۷۵	۹۱/۰۵	۱۳۶۴
۵۳/۹۳۶۲۱	۴۵/۸۶۹۱۴	۳/۱۷۷۵۱۴	۶۵/۹۷۰۰۹	۵۳/۹۸۹۸۸	۴۵/۵۵۵۹۶	۷۸/۷۶	۱۳۶۵
۶۰/۲۷۵۳۴	۴۹/۲۱۳۹۹	۲/۸۹۰۸۹۵	۶۴/۶۷۲۸۹	۶۳/۰۵۰۴۲	۴۸/۹۰۳۶۳	۷۱/۴۶	۱۳۶۶
۵۳/۸۸۶۷۴	۳۷/۷۲۱۲۹	۳/۲۶۸۸۳۸	۴۹/۳۴۲۱۸	۵۰/۶۲۶۴۱	۳۶/۸۲۳۸	۶۸/۶۸	۱۳۶۷
۴۸/۵۵۷۶۶	۳۸/۶۷۳۷۶	۳/۳۷۲۶۶۱	۵۹/۳۷۵۱۰	۵۱/۷۵۹۶۶	۳۷/۶۵۲۷۹	۷۲/۰۱	۱۳۶۸
۵۴/۷۲۱۴۱	۴۶/۰۵۱۶۲	۴/۶۸۹۲۱۶	۶۰/۹۸۴۷۷	۵۰/۰۳۷۳۶	۴۵/۷۷۷۰۱	۶۸/۱۰	۱۳۶۹
۵۴/۳۳۷۴۱	۵۲/۷۶۱۱۸	۵/۶۴۶۶۶۱	۶۰/۵۳۹۷۴	۴۸/۷۰۲۲۵	۵۳/۰۳۵۲۹	۶۷/۵۱	۱۳۷۰
۵۴/۵۶۶۳۶	۵۰/۰۲۵۹۱	۴/۲۲۵۳۰۴	۵۶/۱۱۱۷۲	۵۰/۳۴۹۴۸	۴۹/۱۴۷۵۶	۶۵/۵۵	۱۳۷۱
۴۸/۹۳۸۶۲	۴۸/۹۸۵۰۴	۱۲/۷۸۰۴۳	۵۰/۵۸۸۶۰	۳۶/۱۶۰۴۸	۴۵/۷۹۹۱۷	۱۲۶۷/۷۷	۱۳۷۲
۴۷/۳۰۵۱۹	۵۹/۸۰۱۳۱	۱۳/۲۸۷۹۰	۵۵/۱۶۸۵۴	۳۵/۹۲۶۲۲	۶۲/۱۰۶۰۷	۱۷۴۸/۷۵	۱۳۷۳

هر سه زاویه فوق نشان از شکست استدلال کاهش ارزش پول را دارد. کاهش ارزش پول برای بهبود تراز بازرگانی پیشنهاد شد و انتظار می رفت که به تدریج واردات کاهش و صادرات افزایش پیدا کند. ولی با ملاحظه زوایای فوق می توان دریافت که تولید از صادرات دور شده است، مصرف نیز به جای این که رو به تولیدات داخلی کند از آن دور شده است و در عوض به پایان سال ۱۳۷۳ که حدود دو سال از کاهش ارزش پول داخلی می گذشته است، سهم ارزش کالاهای تولیدی در مصرف داخلی و صادرات دستخوش تغییرات بدتری شده اند. کالاهایی که تولید شده اند نه برای صادرات بلکه برای مصرف داخلی تولید شده اند و مصرف داخلی به سمت کالاهای وارداتی سوق پیدا کرده است و در مجموع کالاهای ساخت داخل روی دست تولید کنندگان و فروشندگان آنها مانده است. هر چند که از قیمت‌های پایین تری نسبت به کالاهای خارجی برخوردار هستند. ولی احتمالاً به دلایل کیفی، مصرف کنندگان ترجیح داده اند از کالاهای خارجی استفاده بیشتری کنند تا کالاهای داخلی. زوایای α_{MC} و α_{Px} برای سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۳ در نمودار شماره ۲ ترسیم شده اند.

برای درک بهتر تغییرات زاویه های بردارها، نمودارهای ۳ تا ۶ تهیه شده اند که هر یک نشان دهنده تغییرات زاویه های یک بردار در مقابل سه بردار دیگر است.

نمودار شماره ۳ تغییرات زوایایی هستند که یک ساق آن بردار مصرف C می باشد. مشاهده می شود که زاویه ${}^{\alpha}MC$ در سالهای قبل از ۱۳۶۶ افزایش و پس از آن به طور مرتب کاهش داشته است. یعنی تا قبل از آن سال، مصرف از کالاهای وارداتی دور می شده است اما پس از ۱۳۶۶ که جنگ فروکش می کرده است مصرف به سوی کالاهای وارداتی تغییر یافته است. همچنین ${}^{\alpha}XC$ در اکثر سالها و به خصوص در سال آخر روند افزایشی داشته یعنی مصرف کالاهای صادراتی کم شده است که با نتیجه حاصل از ${}^{\alpha}MC$ مطابقت دارد. تغییرات ${}^{\alpha}PC$ بار دیگر نشان از فاصله گرفتن مصرف از تولیدات داخلی به خصوص در دو سال آخر را دارد.

نمودار شماره ۴ تغییرات زوایایی را نشان می دهد که یک ساق آن بردار تولید P می باشد. تولید به سمت جایگزینی واردات و دوری از صادرات حرکت کرده است. ولی مصرف کنندگان هم چنان مایل به خرید کالاهای وارداتی بوده اند.

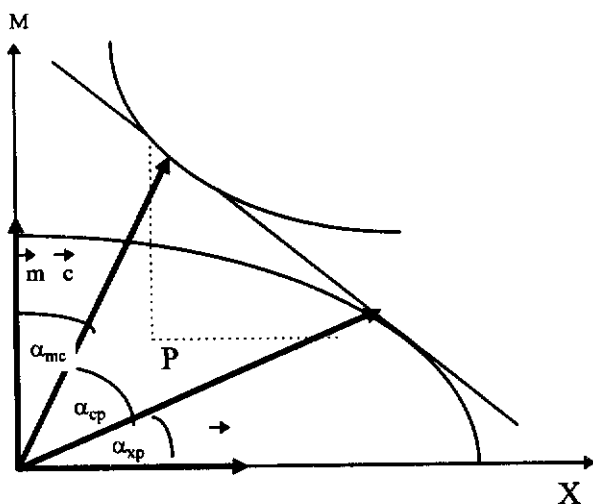
نمودار شماره ۵ تغییرات زوایایی را نشان می دهد که یک ساق آن بردار صادرات X است. الگوی تولید به طور مرتب و به خصوص در سال آخر از صادرات فاصله گرفته است و با تغییرات زاویه ${}^{\alpha}XC$ هماهنگی کامل دارد. در عوض روند تغییرات زاویه ${}^{\alpha}XM$ طی نوساناتی در جهت کاهش این زاویه بوده است. کوچک شدن زاویه مذکور بیانگر این است که در ارزش کالاهای صادر شده، کالاهای وارد شده سهم بزرگتری پیدا کردند یعنی کشور به سمت یک وارد کننده کالاهای واسطه ای و صادر کننده مجدد این کالاها گام بر می داشته است، به طوری که پس از کاهش ارزش پول داخلی در ابتدای سال ۱۳۷۲ کاهش زاویه ${}^{\alpha}MC$ برای سال ۱۳۷۲ نیز روی داده، احتمالاً به دلیل تأخیر در بروز عکس العمل وارد کنندگان و صادر کنندگان در برابر کاهش ارزش ریال بوده است. چون برای سال ۱۳۷۳ زاویه ${}^{\alpha}XM$ به اندازه ۵ درجه افزایش پیدا کرده و به ۵۵ درجه رسیده است. بزرگتر شدن ${}^{\alpha}XM$ نشان دهنده کوچکتر شدن سهم ارزش کالاهای وارداتی در ارزش کالاهای صادراتی است. این موضوع بیانگر کاهش واردات کالاهای واسطه ای، که عاملی در تولید صنایع صادراتی کشور محسوب می گردد، است.^{۲۶}

نمودار شماره ۶ تغییرات زوایایی است که یک ساق آن بردار واردات M است که کلیه زوایای آن در نمودارهای قبلی موجود بوده است و توضیحات مربوط به آنها داده شده است. فقط در این جا افزایش تمایل به مصرف کالاهای وارداتی (کاهش ${}^{\alpha}MC$) به نحو شدیدتری مشهود است.

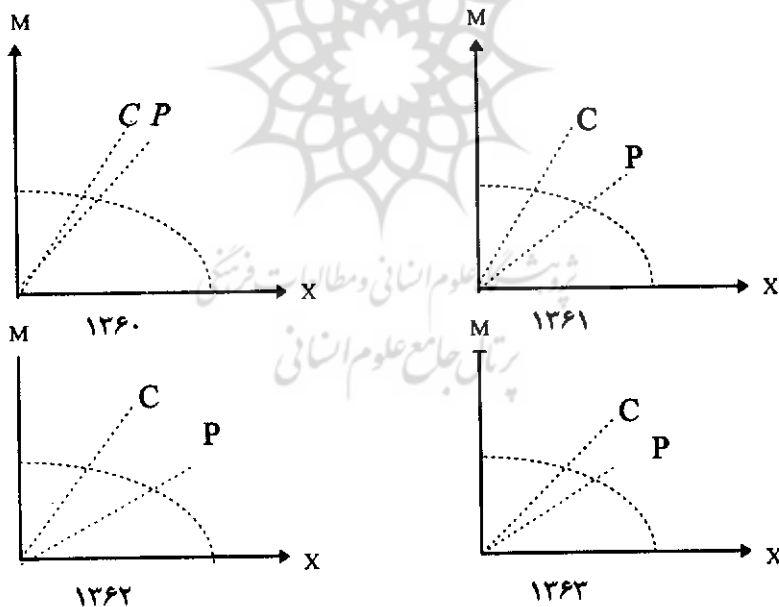
۵. نتیجه گیری

هدف این مطالعه بررسی چارچوب نظری و تجربی اثرات کاهش ارزش پول بر روند ترازهای بازرگانی و بر سهم ارزش کالاهای وارداتی و تولیدی در مصرف داخلی و صادرات با توجه به شرایط اقتصادی و آمار و اطلاعات ایران بود. از سال ۱۳۷۲ ارزش پول داخلی کاهش یافت و انتظار می رفت که به مرور زمان صادرات غیر نفتی رونق یابد، و در مقابل کاهش ارزش پول سبب کاهش واردات کالاها یا کمتر مصرف شدن کالاهای وارداتی موجود گردد، و از این طریق تحولی در مصرف و تولید در ایران ایجاد گردد.

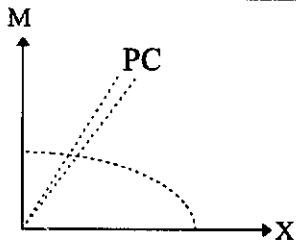
از بررسی نتایج به دست آمده می توان نتیجه گرفت که سیاست کاهش ارزش پول حداقل تا پایان سال ۱۳۷۳ از نظر تغییر در سهم ارزش کالاهای تولیدی در مصرف داخلی و صادرات کشور موفق نبوده است و تنها نتیجه این کار افزایش تولید کالاهای داخلی و متعاقب آن عدم استقلال کافی از مصرف این کالاها و بالطبع افزایش موجودی انبار بوده است. ضمن این که جهت گیری کلی اقتصاد طی سالهای مورد بررسی موجب گردیده است تا کشور وارد کننده کالاهای واسطه ای و صادر کننده مجدد همان کالاها باشد تا صادر کننده کالاهای تولید شده در خود کشور. این دستاورد نیز در سال ۱۳۷۳ به دلیل افزایش a XMI به میزان ۵ درصد تضعیف شده است. همچنین از زوایای به دست آمده می توان دریافت که مصرف و تولید دستخوش تغییرات بهتری نسبت به گذشته نشده است و در سالهای مورد بررسی هنوز تولید از صادرات دور و مصرف به کالاهای وارداتی نزدیک می باشد.



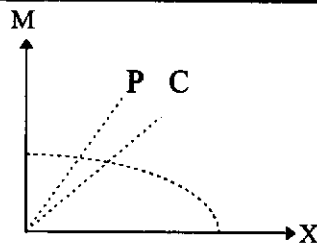
نمودار شماره ۱: بردارهای واردات، صادرات، مصرف و تولید در فضای دو بعدی کالاهای با منحنیهای بی تفاوتی مصرف و امکانات تولید



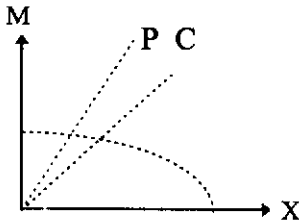
نمودار شماره ۲: زوایای α_{CM} و α_{PX} برای سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۳



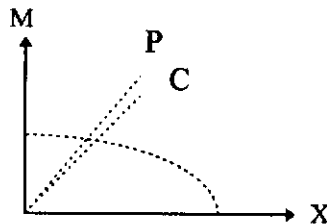
۱۳۶۴



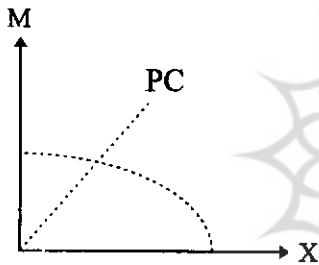
۱۳۶۵



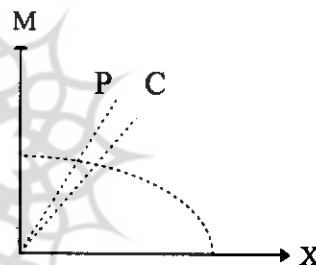
۱۳۶۶



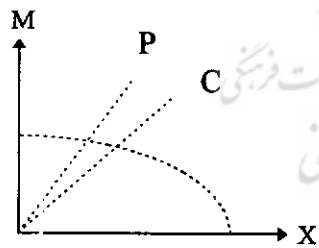
۱۳۶۷



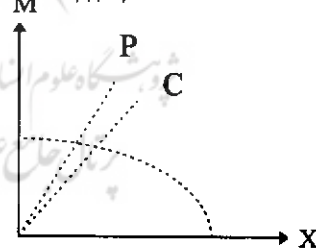
۱۳۶۸



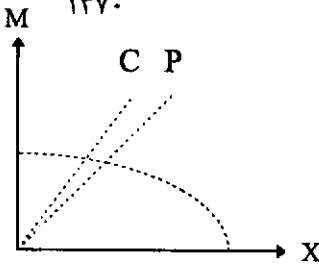
۱۳۶۹



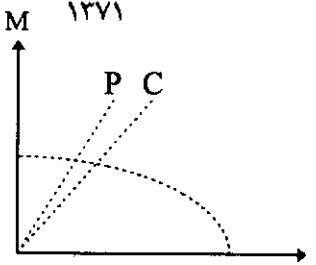
۱۳۷۰



۱۳۷۱

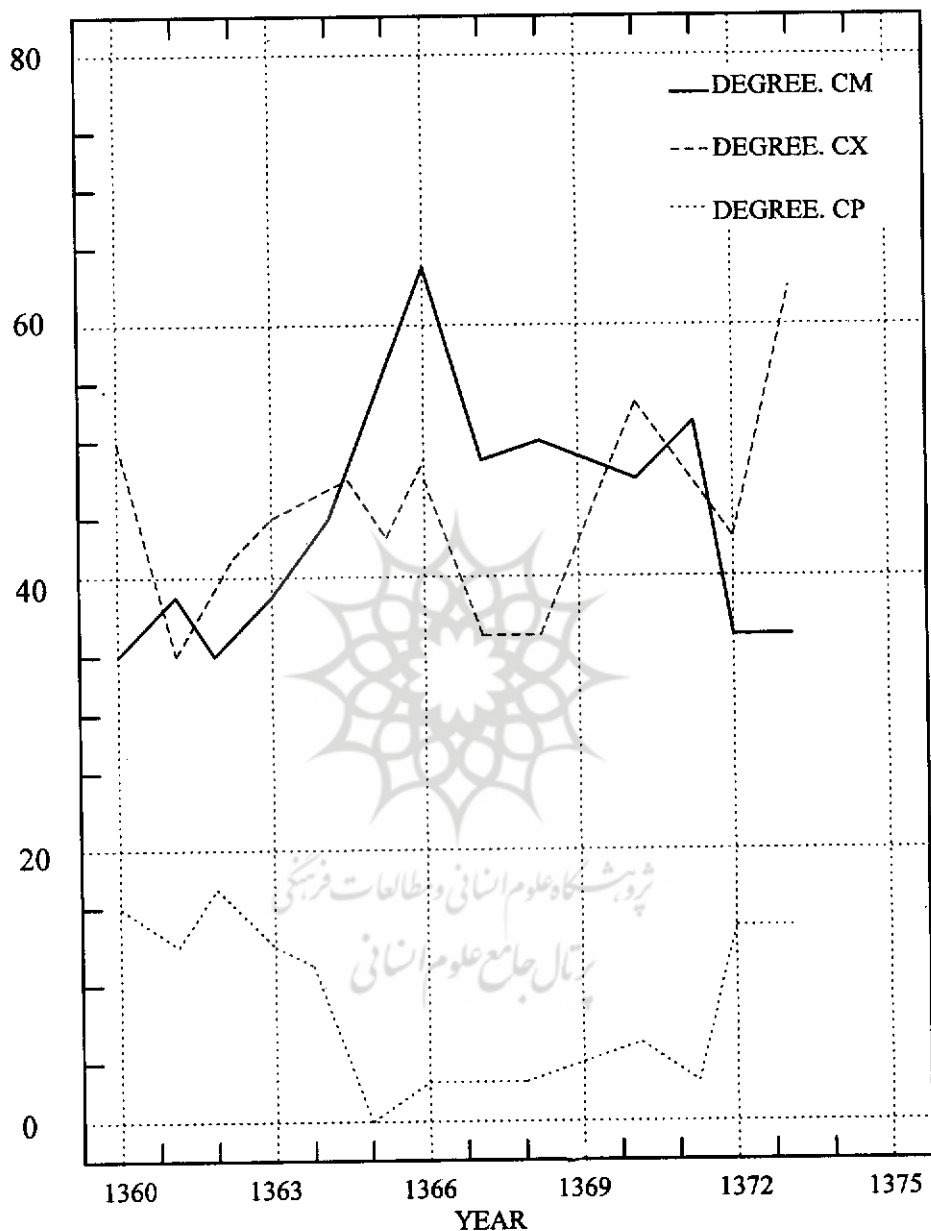


۱۳۷۲

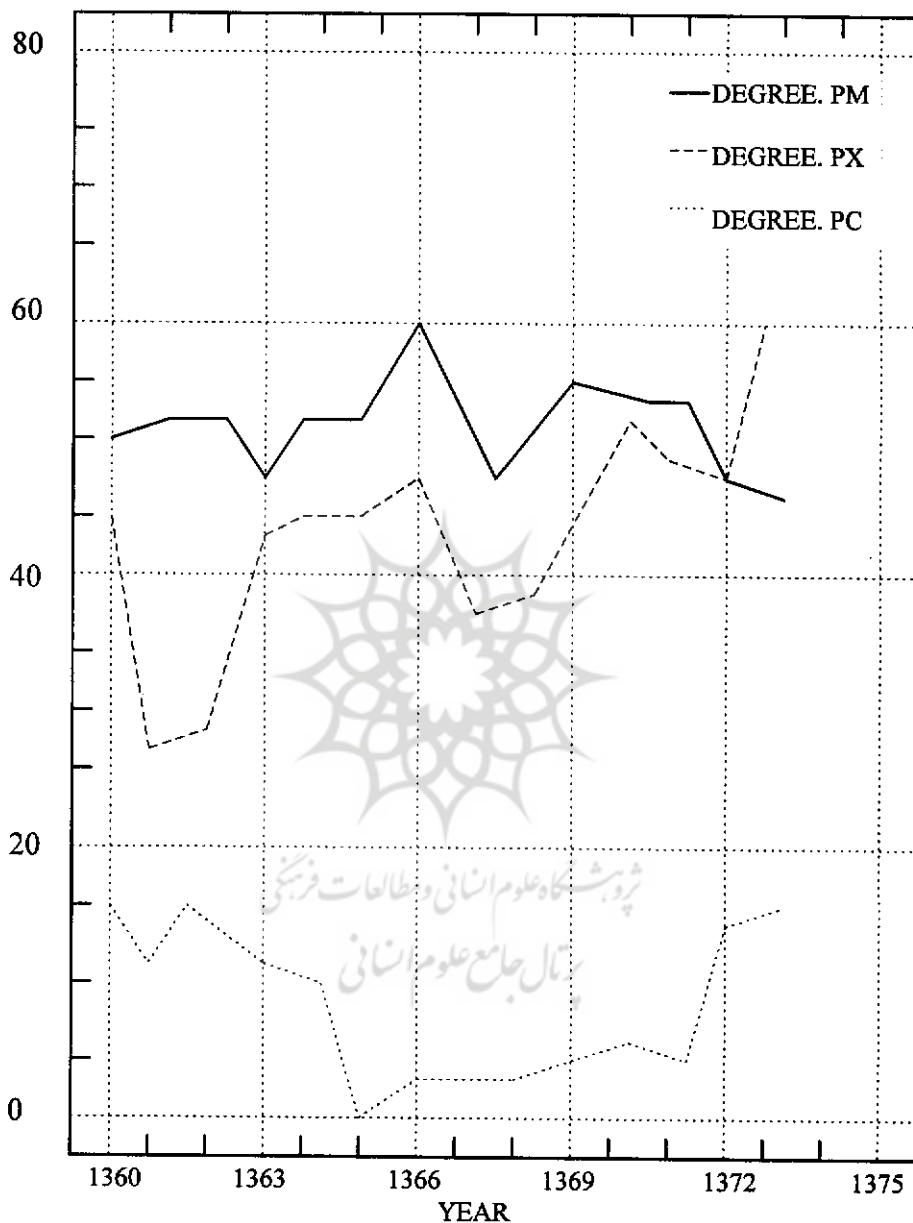


۱۳۷۳

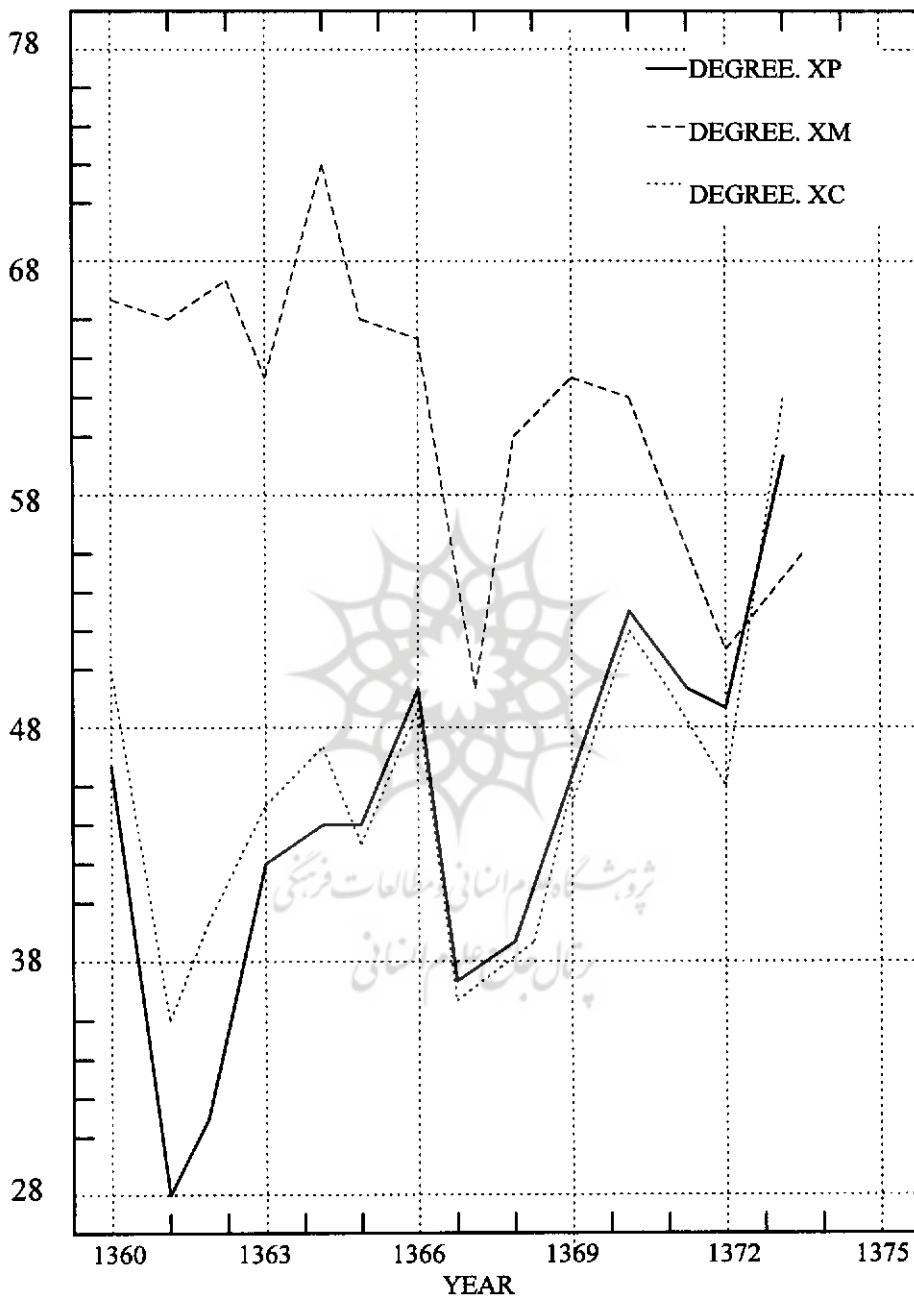
ادامه نمودار شماره ۲:



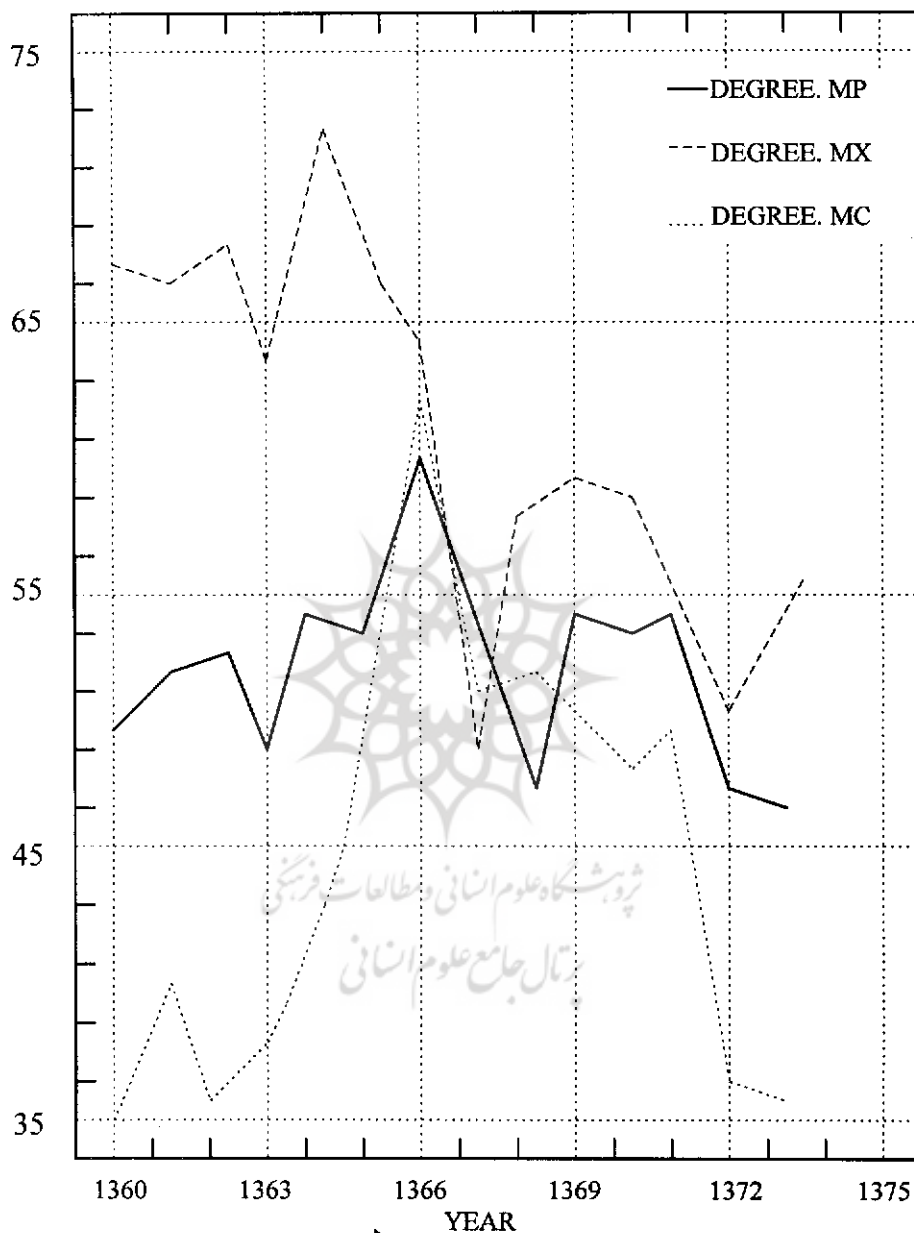
نمودار شماره ۳: تغییرات زوایای مربوط به بردار مصرف \vec{C}



نمودار شماره ۴: تغییرات زوایای مربوط به بردار تولید \vec{P}



نمودار شماره ۵: تغییرات زوایای مربوط به بردار صادرات X



نمودار شماره ۶: تغییرات زوایای مربوط به بردار واردات \vec{M}

منابع و یادداشتها

1. Devaluation
2. Marshall - Lerner Condition
3. Kindleberger, C. P. **International Economics**. Homewood, IL: Richard D. Irwin, INC. 1968.
4. J- Curve Effects
5. Husted, S. Melvin, M. **International Economics**. New York: Harper and Row Publishers. 1990.
6. Laffer, A. B. *Exchange Rates, the Terms of Trade, and the Trade - Balance*, in Clark, P. B, Logue, D. E and Sweeny, R. J (eds). **The Effects of Rate Adjustments**. Washington, D. C: U. S. Dept. of Treasury. 1974.
۷. منبع شماره ۶.
8. Miles, M. A. *The Effect of Devaluation on the Trade- Balance and the Balance of Payments: Some New Results*. **Journal of Political Economy**. June 1979.
۹. منبع شماره ۸.
10. Gylfason, T. and Risager, O. *Does Devaluation Improve the Current Account*. **European Economic Review**. June 1984.
11. Current Account
۱۲. منبع شماره ۱۰.
13. Bahmani - Oskooee. *Devaluation and the J- Curve: Some Evidence from LDCS*. **Review of Economics Statistics**. August 1985.
14. Moffet, M. H. *The J- Curve Revisited: An Empirical Examination for the United States*. **Journal of International Money and Finance**, 1991.
۱۵. منبع شماره ۱۴.
16. Intra - industry Trade
17. International Competitiveness
18. Erzan, R. and Sari, O. *Impact of Currency Appreciation and Currency Shock on the Real Side in a Small and Liberal Economy*. **Economic Research Forum: Working Paper 9623**.

- 1995,p. 4.
19. Sari, O. *Real Effects of Currency Appreciation in a Small, Open, Newly Industrialized Economy*. CEE Working Paper. Presented at the Western Economic Association Conference. San Diago: July 1995.
20. Orthogonal
۲۱. منبع شماره ۱۸ و منبع شماره ۱۹.
۲۲. آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف.
۲۴. سالنامه آماری کشور، مرکز آماری ایران، سالهای مختلف.
۲۵. گزارشهای روزانه نرخ خرید و فروش ارزهای عمده در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات اداره بین الملل بانک مرکزی. ۱۳۷۴.
۲۶. مجله (فصلنامه) بانک جمهوری اسلامی ایران، شماره های مختلف.

